

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: فرهاد گلستان

منظور از سَفَاح، منصور و مهدی در روایت «مِنَّا السَّفَاحُ، وَمِنَّا الْمَنْصُورُ، وَمِنَّا الْمَهْدِيُّ»؛ «سَفَاح از ماست و منصور از ماست و مهدی از ماست»، چه کسانی هستند؟ آیا این روایت که توسط ابن عباس و ابو سعید خدری از پیامبر و همچنین، توسط برخی از ابو جعفر باقر علیه السلام نقل شده، جعلی است؟ اگر نه، آیا منظور از آن، تأیید افراد مذکور است؟ با توجه به اینکه سَفَاح، در روایت ابو سعید مذمت شده است. ممنون می‌شوم اگر مفهوم و مصادیق این روایت را مشخص نمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۲/۲/۱۳

نام «منصور» و «سَفَاح»، غالباً در کنار نام «مهدی» ذکر شده و این دلیل بر ارتباط و همسویی آنان با یکدیگر است. در برخی روایات نیز تصریح شده که منصور، وزیر و خلیفه‌ی مهدی است؛ همچنانکه از برخی روایات برداشت می‌شود که سَفَاح خلیفه‌ی منصور است و این احتمال نیز وجود دارد که لقب «شعیب بن صالح» فرمانده‌ی سپاه او باشد^۱. بنابراین، شکی نیست که این دو در روایات مانند مهدی تأیید شده‌اند؛ همچنانکه به عنوان مثال، تعبیر «مِنَّا»^۲؛ «از ماست» در روایت پیامبر، ظاهر در تأیید است؛ خصوصاً با توجه به سخن ابراهیم علیه السلام که فرموده است: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»^۳؛ «پس هر کس از من پیروی کند، او از من است» و در روایت ابو سعید نیز مذمت صریحی برای سَفَاح دیده نمی‌شود؛ چراکه عبارت «وَأَمَّا السَّفَاحُ فَهُوَ يَسْفَحُ الْمَالَ وَالْدَّمَ»^۴؛ «و اما سَفَاح، پس مال و خون را خواهد ریخت»، می‌تواند ناظر به مال و خون دشمنان خداوند باشد؛ چنانکه امثال این مضمون، درباره‌ی مهدی نیز روایت شده و منظور از آن‌ها همین است.

۱. بنگرید به: الذَّر المنضود في طرق حديث الرايات السود، ص ۶۹ و ۷۳.

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۵۱۳؛ فضائل الصحابة لأحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۹۶۶؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۵۵۹؛ تاریخ بغداد للخطیب البغدادي، ج ۱، ص ۸۴؛ تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۳۲، ص ۳۰۳.

۳. ابراهیم/ ۳۶

۴. تاریخ بغداد للخطیب البغدادي، ج ۱۱، ص ۴۷؛ تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۳۲، ص ۳۰۲.

با این حال، برخی احتمال داده‌اند که روایات مذکور، ساخته‌ی حاکمان عبّاسی باشد؛ با توجه به اینکه سه حاکم نخست آنان، خود را سَقّاح، منصور و مهدی نامیدند، ولی این احتمال معقول نیست؛ چراکه سَقّاح، منصور و مهدی، در اصل و از ابتدا نام‌های آن سه نبود، بل القابی بود که بعداً در هنگام دعوت به سوی حکومت‌شان، بر خود نهادند، در حالی که اگر اراده و توان لازم برای جعل چنین روایاتی به سود خود را داشتند، نام‌های خود را ذکر می‌کردند، نه القابی کلی و بیگانه که به ذات خود هیچ ارتباطی با آنان نداشت. بنابراین، به نظر می‌رسد که آن سه، با نظر به وجود این القاب در روایات، آن‌ها را برای خود انتخاب کرده‌اند تا خود را مصداق آن‌ها وانمود کنند؛ همچنانکه با انتخاب پرچم‌های سیاه برای داعی خود -ابو مسلم خراسانی- کوشیده‌اند که خود را مصداق پرچم‌های سیاه خراسانی موعود -زمینه‌ساز ظهور مهدی و پایه‌گذار حکومت او- وانمود کنند، در حالی که مصداق این روایات، صرفاً با یک لقب و پرچم شناخته نمی‌شود تا به سادگی قابل جعل و تزویر باشد، بلکه با اندیشه، آرمان، راه و روش شناخته می‌شود؛ اندیشه، آرمان، راه و روشی عینی و مشهود که تماماً مطابق با حق و مبتنی بر زمینه‌سازی برای ظهور و حکومت مهدی است و تبعاً قابل جعل و تزویر توسط ظالمان و گمراهان نیست. از اینجا دانسته می‌شود که مردم نباید به صفات ظاهری و اعتباری داعیان بنگرند، بلکه باید به دعوت آنان توجه کنند و اندیشه، آرمان، راه و روش آنان را در ترازوی عقل و شرع قرار دهند تا از حَقّانیت یا بطلان آنان و تبعاً تطابق یا عدم تطابقشان با روایات مرتبط، آگاهی یابند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوهای خراسانی
مجلس شورای اسلامی استان خراسان جنوبی



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوهای خراسانی حفظ الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.